

**خانواده**

**در**

**جامعه سوسیالیستی**

www.KetabFarsi.com

پیام‌هایی از : و . ا . نین

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

### پیشگفتار

این شماره زنان و مبارزات رهایی بخش طبقه کارگر شامل دو بخش است: هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر، خانواده در جامعه سوسیالیستی. هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر روزی تاریخی برای پرولتاریای مبارزه جواست. برای درک اهمیت این روز و در نتیجه ارج کافی نهادن به آن، آگاهی از مبادا و تاریخچه این روز ضرورت فراوان دارد. با در نظر گرفتن این مهم ما دست به تهیه این مختصر زدیم. امید که این کوشش گامی در جهت بهتر برگزار کردن این جشن تاریخی پرولتاریائی در آینده گردد. در بخش دوم، مطالبی درباره خانواده و روابط زن و مرد در جوامع سوسیالیستی طرح می شود.

در میان برخی از روشنفکران پیروی از فرهنگ فاسد و منحط بورژوازی، و آگاهانه یا ناآگاهانه جا زدن خصال لعین پرولتاریا ( لنینیسم، فحشها بی بندوباری، لاپالیزی، به کار گرفتن فرهنگ و اصطلاحات و فحشها و شوخیهای لعین پرولتاریائی ) به جای خصال اصیل و انقلابی پرولتاریا رایج است. این عده از روشنفکران را رفیق انقلابی شهید چریک فدائی خلق بیژن جزنی " لنین روشنفکر " می نامد ( ۹ بهمن تئوریک شماره ۶ ، صفحه ۱۸۸ ) . مراجعه به آثار کلاسیک مارکسیستی و پراتیک کشتاورهای سوسیالیستی تضاد این پندارهای لعینی را با خصال انقلابی پرولتاریائی به خوبی روشن می گرداند . لکن مبارزه با این پندارهای لعینی و سموم فرهنگ فاسد بورژوازی از طریق توسل به عرف و سنت ، خرافات و افکار ارتجاعی پوسیده و آینده آلیستی ممکن نیست. این سنت های ارتجاعی که ریشه در جوامع ماقبل سرمایه داری دارند و پیرزمانیست که زن ایرانی را در چنگال پلید خود سخت می فشا رند و آنان را در موقعیتی بس حقیر و زبون قرار داده اند . سوسیالیسم علمی ، مارکسیسم لنینیسم انقلابی تنها سلاح انقلابی واقعی برای مبارزه با تمام رذالت های ریشه دار جوامع طبقاتی است.

ما اعتقاد داریم که آگاهی از بیماریها و آلودگی های جوامع طبقاتی  
 و نیز تبلیغ و ترویج و آموزش فرهنگ اصیل پرولتاریائی کمک شایانی به  
 روشن کردن اذهان زنان و مردانی که صدقانه قدم در راه خدمت به  
 خلق گزاردند می نماید و نیز باعث می گردد که زنان بتوانند نقش خود  
 را در تغییر جامعه به خوبی ایفا نمایند .

## روز جهانی زنان کارگر

سرمایه داری تساوی صوری را با نابرابری اقتصادی و متعاقباً "اجتماعی" در هم میامیزد. این یکی از وجوه اصلی سرمایه داری است، وجهی که عمداً "بوسیله جامیان بورژوازی، لیبرالها، در پرده ابهام نگاه داشته شده و دموکراتها خرده بورژوا از درك آن عاجز مانده اند. این سهمای سرمایه داری، "الزاماً"، برای ما ضروری میسازد که در نبرد قاطعانه برای حصول برابری اقتصادی وجود این نابرابری کاپیتالیستی را بوضوح تصدیق کنیم و حتی در شرایط معینی، این تصدیق آشکار وجود نابرابری را پایه ای برای حکومت پرولتاریائی (قانون اساسی شوروی) قرار دهیم.

اما حتی در مورد این تساوی ظاهری (برابری در مقابل، "برابری" گرسنه و سیر، "برابری" دارا و بی چیز) نیز سرمایه داری نمیتواند ثابت قدم باشد. و یکی از زننده ترین تظاهرات این عدم ثبات، نابرابری زنان با مردان است. تساوی کامل زنان و مردان حتی در پیشرفته ترین کشورهای جمهوریخواه و دموکرات بورژوازی نیز برقرار نشده است. اما از سوی دیگر، جمهوری شوروی روسیه، فوراً تمام آثار قانونی نابرابری زنان را بدون استثنا از میان برد و بلافاصله برابری کامل آنان را در مقابل قانون تأمین کرد.

گفته میشود که بهترین ملاک سنجش سطح فرهنگ و وضعیت قانونی زنان است. این کلمات قصار، دارای رگه ای از حقیقتی ژرف است. از این نظر، تنها دیکتاتوری پرولتاریا، تنها حکومت سوسیالیستی است که میتواند و توانسته است به والاترین سطح فرهنگی نائل شود.

انگیزه نوین، نیرومند و بی مانند در جنبش زنان کارگر بنا بر این با تأسیس و تحکیم اولین جمهوری شوروی و در ارتباط و علاوه بر آن با انترناسیونال کمونیستی وابستگی ناگزیری دارد.

از زمانیکه زکری بعیان آمده است از آنهایی که مستقیم یا غیرمستقیم، در کل یا جز تحت ستم سرمایه داری بوده اند، این نیزبایستی گفته شود که سیستم شورائی، و تنها سیستم شورائی است که دموکراسی را تضمین

میکنند. این موضوع بوسیله موقعیت طبقه کارگر و دهقانان بی چیز نشان داده شده است. این آشکارا با موقعیت زنان عیان گردیده است. اما، سیستم شورائی، آخرین مبارزه قاطع برای برانداختن طبقات و برای برابری اقتصادی و اجتماعی است. دموکراسی، حتی دموکراسی برای همه آنهایی که زیرستم سرمایه داران بوده اند و از آنجمله جنس تحت‌ستم، از نظر ما کافی نیست.

این وظیفه اصلی جنبش زنان کارگر است که نه فقط برای برابری تشریفاتی و ظاهری، بلکه برای تساوی اقتصاد و اجتماعی زنان مبارزه کند. مسئله اصلی آنست که زنان در کار تولیدی اجتماعی شرکت داده شوند، از "بردگی خانگی" رهایی یابند، و از انقیاد تحقیرکننده و حماقت‌آور جان‌کندن ابدی در آشپزخانه و شیرخوارگاه آزاد گردند.

این یک مبارزه طولانی خواهد بود و یک‌نوسازی اساسی را، هم در فن اجتماعی و هم در اخلاقیات می‌طلبد اما این مبارزه سرانجام بسا پیروزی کامل کمونیسم، پایان خواهد پذیرفت.

چهارم مارس ۱۹۲۰ مجموعه آثار، جلد ۳۰

ضمیمه "پراودا" ی شماره ۷، ۵۲ مارس ۱۹۲۰

## روز جهانی زنان کارگر

مراد بلسویسم و انقلاب اکتبر روسیه جلب همان مستعبدیده ترین افراد مردم در تحت رژیم سرمایه داری به سیاست است. آنان بوسیله سرمایه داران در حکومت سلطنتی و همچنین جمهوری دموکراتیک بورژوازی، مستعبدیده، فریب خورده، و غارت شدند. تا زمانیکه مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه ها وجود داشت این ستم و این فریب و غارت عمره کار مردم بوسیله سرمایه داران غیر قابل احتساب بود.

جوهر بلسویسم و قدرت شوروی در افشای کذب و ربای دموکراسی بورژوازی و الغای مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه ها و تمرکز تمام قدرت دولتی در دست نوده نمای کارگر و استعمار شده است. کارساختمان جامعه سوین وارد کردن این توده ها به سیاست است. کارآسانی نیست. توده ها توسط سرمایه داری مستعبدیده و پایمال شده اند اما راه دیگری برای رهایی از بردگی مزدبری و انقیاد سرمایه داری وجود نداشته و نمیتواند وجود داشته باشد.

اما بدون جلب زنان به سیاست شما نمی توانید توده ها را به سیاست جلب کنید. زیرا همه مونت نسل بشری تحت رژیم سرمایه داری بطور مضاعف ستم میبرد. زنان کارگر و دهقان بوسیله سرمایه ستم می بینند اما بالاتر از همه حتی در دموکراتیک ترین جمهوری بورژوازی آنان اولاً از بعضی حقوق بدلیل نابرابری قانونی با مردان محرومند، ثانیاً، و این مسئله اصلی است، آنان در "انقیاد خانه" بوده و بصورت "برندگان - خانگی" باقی می مانند، زیرا کار پر زحمت و بسیار پست و کمرشکن و تحمیل کننده آشپزخانه و خانه انفرادی خانواده را متحمل میشوند.

هیچ حزب یا انقلابی در جهان هرگز رویای فرود آوردن چنین ضربه عینی را به ریشه های ستم و نابرابری زنان مانند آنچه که شوروی و انقلاب بلسویکی انجام میدهد در سر نپورانده است.

اینجا در روسیه شوروی اثری از نابرابری در قوانین بین مردان و زنان باقی نمانده است. قدرت شوروی تمام نابرابری های را که در قوانین

زناشویی و خانواده نسبت به فرزندان وجود داشت و خصوصاً "نفرتانگیز"،  
 فرومایه و رباکارانه بود از میان برداشت.

این تنها نخستین گام برای آزادی زن است. اما هیچیک از جمهوری-  
 های بورژوازی حتی دموکراتیکترین آنها هم جرأت برداشتن این گام  
 نخست را نسیز نداشته است. دلیل این امر حرمت به "مالکیت خصوصی  
 واجب الاحترام" است.

دومین و مهمترین گام لغای مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه ها  
 است. این مسئله به تنهایی راه را برای آزادی کامل و واقعی زنان یعنی  
 آزادی زن از "بردگی خانگی" از طریق انتقال خانه داری حقیرفردی به  
 خدمات خانگی وسیع اجتماعی شده می‌گشاید.

این تحول سختی است، زیرا مستلزم تغییر شکل ریشه‌دارترین،  
 کهنه‌ترین، محدودترین و سخت‌ترین "نظام" (اگر بگوئیم بی‌شمسی  
 و توحش، بواقعیت نزدیکتر است) میباشد. اما تحول آغازگر پده و  
 حرکت شروع شده است. ما در راه نوینی قدم گذاشته‌ایم.

بنابراین در این روز جهانی زنان کارگر، مجالس بی‌شمار زنان کارگر  
 در تمام کشورهای جهان به روسیه شوروی که برای اولین بار باین وظیفه  
 پی مانند و بسیار سخت اما بزرگ، بطور کلی بزرگو حقیقتاً "آزاد کننده  
 دست زده است درودها خواهند فرستاد. ندهای نیروبخشی از ما  
 خواهند خواست که جسامت خود را در برابر واکنش بیرحمانه و غالباً  
 وحشیانه بورژوازی از دست ندهیم.

هر قدر که کشور بورژوازی "آزادتر" و "دموکراتیک‌تر" است طغیان  
 گروههای سرمایه داران آن علیه انقلاب کارگران وحشیانه تر میباشد.

جمهوری دموکراتیک ایالات متحده آمریکا شمالی نمونه همین مسئله  
 است. اما توده های کارگران بیدار شده‌اند. توده های خفته و  
 خواب آلوده و بی‌تحرک در آمریکا و اروپا و حتی آسیای عقب افتاده بالاخره  
 توسط جنگ امپریالیستی بهاخاسته‌اند.

سد در هر گوشه از جهان شکسته شده است.

هیچ چیز نمیتواند امواج آزادی خلقی ها را از یوغ امپریالیسم و آزادی



مردان و زنان زحمتکش را از یوغ سرمایه متوقف سازد . این مسئله توسط دهها و صدها و میلیونها تن از زنان و مردان زحمتکش در شهروروستا به پیش میرود و به همین دلیل است که امر آزادی کار از یوغ سرمایه در سرتاسر جهان پیروز خواهد شد .

چهارم مارس ۱۹۲۱ مجموعه آثار، جلد ۳۲

ضمیمه " پراودا " ی شماره ۸، ۵۱ مارس ۱۹۲۱

## تاریخچه مختصر هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر

روز هشتم مارس روز جلب و بسیج زنان به مبارزات سیاسی و به مبارزات طبّی کارگر است. روزی در جهت بیدار کردن وجدان سیاسی آنان، آگاهی و سازماندهی آنان و نیز روز همبستگی بین العلیی زنان زحمتکش سراسر جهان در مبارزه برای دستیابی به اهداف مشترک زنان پرولتاریا جهان است.

مبدأ هشتم مارس روز بین العلیی زنان کارگر تظاهرات و جلسات سخنرانی عظیمی است که زنان سوسیالیست و کارگر آمریکا در سال ۱۹۰۷ در سراسر آمریکا برپا کرده و خواستار حقوق سیاسی برای زنان کارگر گردیدند. در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین العلیی زنان سوسیالیست در کپنهاگ کلازاتکین چهره درخشان سوسیال دموکراسی آلمان پیشنهاد برگزاری سالانه روز بین العلیی زنان کارگر را به کنفرانس داد. براین مبنا کنفرانس تصمیم گرفت که هر ساله در همه کشورهای زنان روز واحد ویژه ای را با شعار "حق رای زنان نیروهایمان را در مبارزه برای سوسیالیسم متحد می سازد" برگزار نمایند. در سال ۱۹۱۱ روز بین العلیی زنان بطور رسمی از طرف انترناسیونال دوم پذیرفته شد.

انتخاب چنین شعاری توسط زنان سوسیالیست در آن زمان بعلمت لزوم افزایش نیروهای کارگری در پارلمان بود. بدست آوردن حقوق و امتیازات و حق رای برای زنان کارگر به قدرت نیروهای کارگری در پارلمان می افزود. بنابراین مبارزه در راه بدست آوردن حق رای برای زنان کارگر از مبارزات پر اهمیت سوسیال دموکراسی در آن زمان بود. خواست حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان بعنوان حقی اجتماعی، که زن بسا استفاده از آن بتواند بعنوان یک شخصیت تاثیر و نفوذ ضروری را در امور محلی، قانونی و دولتی داشته باشد و اصولاً جنبش آزادی زنان و مبارزه برای آزادی و تساوی زنان با مردان با آغاز شیوه تولید سرمایه داری مطرح گردید. با تحولاتی که سرمایه داری در زندگی اقتصادی و اجتماعی بوجود آورد کار حرفه ای زنان آغاز شد. با فعالیت های اقتصادی

نوبن زنان در جامعه خانواده دگرگون گردید . رشد صنعت بزرگ ، چهارچوب اقتصادی تولید خود مصرفی خانواده را خلاشی کرد . خانواده از شکل جماعت اقتصادی تولید کنندگان تبدیل به هسته‌های اخلاقی گردید . این تغییر پایه و اساس آزادی اقتصادی زن را از خانه و خانواده فراهم کرد . زن بجای آنکه بعنوان کارگر تولیدی در خانه کار کند وارد فعالیت جدید اقتصادی در جامعه و بازار اجتماعی شد .

با دگرگونی اقتصادی زندگی زن واستقلال اقتصادی او اندیشه و احساس او نیز دستخوش دگرگونی شدند . با فعالیت‌های سیاسی و آغاز تلاش برای بدست آوردن حق رای ، زن به دوران بلوغ سیاسی خویش پای گذاشت . حق رای برای زن فقط بطور بسیار محدودی پیش از برقراری شیوه تولید سرمایه داری و بویژه دوران شکفتگی آن در برخی از کشورها وجود داشت . اما این حق زن حق شخصی و فردی او بعنوان يك زن نبود بلکه حق بود که با بعنوان نماینده خانوار و جماعت اقتصادی و با بعنوان مالك و مالیات پرداز یعنی حق ویژه مالکیت به او تعلق میگرفت .

درخواست حق رای بعنوان حقی که حقانیت تاریخی دارد ، حقی که زن بعنوان يك شخصیت ، فردی از اهالی و انسانی بالغ آنرا دارا میگردد و محدود به مالکیت و طبقه خاصی نمی‌گردد با آغاز و شکفتگی شیوه تولید سرمایه داری طرح شد .

در آغاز رشد سرمایه داری که بورژوازی در عنوان جوانی خود بود و سخن از آزادی عمومی ، برابری و برادری می‌گفت و برای برقراری اصول دموکراتیک مبارزه مینمود خواستار آزادی زنان بعنوان اصلی از اصول دموکراتیک نیز بود . اما بورژوازی با بدست گرفتن قدرت این اصل را نیز مانند سایر اصول دموکراتیک بدست فراموشی سپرد . از آن پس مبارزه برای تحقق خواست آزادی زنان همانند دیگر خواست‌های دموکراتیک بسسه پرولتاریا واگذار گردید .

چگونگی طرح حق رای برای زنان بنا به موقعیت طبقاتی زنان اهداف خاصی را دنبال مینمود . زنان بورژوا برای تحکیم و بهبود موقعیت اقتصادی خود میکوشیدند اما موقعیت برتر مردان مانعی در این راه بود .

در زمینه های مختلف امکانات تحصیلی، شغلی و غیره آنان از موقعیت ناهمراه خود با مردان در رنج بودند حق رای وسیله ای بود برای از میان برداشتن این موانع و ناهمراهیها، آنان با حق رای میتوانند قوانینی را که مانعی در راه فعالیت های آنان بود و ضامن برتری مردان میکردند از میان بردارند. آنان خواستار اجرای اصلاحات در همان چهارچوب نظام سرمایه داری بودند و خواست آنان در حقیقت تحکیم این نظام بود نه از میان برداشتن آن، بدین جهت زنان بورژوا در مبارزه برای حق رای طرفدار و طرفدار حق رای محدود بودند، یعنی حق رای بزنانی تعلق میگرفت که به نحوی از انحاء با مالک چیزی بودند یا تحصیلات دانشگاهی داشتند. محدودیت حق رای نه تنها اگریت عظیم زنانی را که فاقد دارائی و مدارک دانشگاهی بودند از این حق محروم میکرد بلکه باعث میگردد که با دادن حق رای به زنان بورژوا، بورژوازی نیرومندتر شده و موقعیت زنان پرولتاریا مانند کل این طبقه بیشتر تضعیف گردد.

در حقیقت حق رای محدود حقیقی طبقاتی و متعلق به زنان طبقه بورژوا بود. اهمیت احقاق حق رای برای زنان کارگر از آن جهت بود که میلیونها زن پرولتاریا که با رشد سرمایه داری در رشته های صنایع بکار پرداختند میتوانند از این حق، بعنوان وسیله ای برای نفوذ اجتماعی و سیاسی و حفظ منافع اقتصادی خود و نیز بصورت حربه ای در مبارزه طبقه سرمایه دار استثمارگر استفاده کنند. لکن هدف نهائی زنان پرولتاریا انقلاب پرولتاری و برچیدن سلطه بورژوازی، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا لغو مالکیت خصوصی، ایجاد جامعه کمونیستی و کسب آزادی کامل و تساوی واقعی با مردان بود.

اولین مراسم روز جهانی زنان کارگر در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار گردید این تاریخ بدین سبب انتخاب شد که اهمیت تاریخی برای پرولتاریای آلمان داشت در روز نوزدهم مارس ۱۸۴۸، شاه پروس که نیروی عظیم خلق را غیر قابل مقاومت یافت در برابر خطر شورش کارگران و در مقابل خواسته های آنان سرفروید آورد. او در ضمن تمام وعده هائی که هرگز جامه عمل نپوشیدند وعده حق رای به زنان را نیز داد.

پس از ژانویه ۱۹۱۱ در آلمان و اطریش برای برگزاری روز زنان کوشش‌هایی به عمل آمده بود. يك هفته پیش از روز زنان مجله "رای برای زنان" در آلمان و مجله "روز زنان" در اطریش منتشر شدند. مقالات متعددی مانند "زنان و پالمان"، "رابطه زن خانه در با سیاست چیست؟" و غیره نوشته شدند که هر يك به تحلیل مسأله تساوی زنان با مردان در حکومت و جامعه پرداخته و در مورد اهمیت حق رای برای زنان سخن گفتند.

اولین مراسم روز بین‌المللی زنان در سال ۱۹۱۱ با موفقیت بی نظییری در آلمان، اطریش، دانمارک و سوئیس برگزار شد. آلمان و اطریش در این روز تبدیل به ریائی خروشان شدند. جلسات در همه جا حتی در شهرهای کوچک و در روستاها نیز تشکیل شدند. سالن‌های سخنرانی از جمعیت پر شدند. این اولین قدرت نعائی مبارزه جوانه زنان کارگر بود. در اطریش در جریان تظاهرات بزرگ خیابانی که با شرکت ۳۰۰۰۰ نفر برگزار میشد پلیس سعی کرد که شمارهای تظاهرکنندگان را از آنان بگیرد اما زنان کارگر مقاومت ورزیدند و سرانجام وساطت معاونین سوسیالیست پارلمان از خونریزی جلوگیری کرد.

در سال ۱۹۱۲ روز بین‌المللی زنان به هشتم مارس انتقال یافت و از پس این روز بعنوان روز جهانی زنان ثبت شد.

زنان کارگر روس روز جهانی زنان کارگر را برای اولین بار در ۲۳ فوریه (۸ مارس) (۱) ۱۹۱۳ جشن گرفتند. این زمانی بود که اختناق تزاری حاکم بود. پراودا روزنامه بلشویک‌ها به تبلیغ این روز پرداخته و در اوائل ژانویه ستون مخصوصی بنام "کار و زندگی زن کارگر" برای دادن اطلاعات در مورد جلسات و گرد هم آئی‌های مختلف، تهیه مقدمات برگزاری روز زنان کارگر و مصوبات آن اختصاص داد. اولین روز جهانی زنان کارگر روس در سنت پترزبورگ و مسکو توجه بسیار زیادی را جلب کرد. پراودا برای این روز شماره مخصوصی انتشار داد و به تمام زنان کارگر درود فرستاد و ورودشان را به صفوف پرولتاریای مبارزه جو تهنیت گفت اقدام بلشویک‌ها در مورد کار بین زنان بقدری موفقیت آمیز بود که بلشویک‌ها به پیشنهاد لنین تصمیم به انتشار روزنامه‌های مخصوص برای زنان کارگر را گرفتند. این مجله

" زن کارگر " *Rabotnitsa* نامیده شد . این مجله نقش شگرفی در بسیج و جلب زنان به حزب بلشویک داشت . اولین شماره این مجله در روز جهانی زنان در سال ۱۹۱۴ انتشار یافت . در این سال بلشویکها با آمادگی بیشتری به استقبال این روزی رفتند . اما قبل از مراسم روز - جهانی زنان کارگر ، زنان بلشویک مبلغ در کارخانه ها و اعضا هیئت تحریریه مجله " زن کارگر " به استثنای يك تن توسط پلیس تزاری دستگیر شدند ، اما با وجود این بلشویکها کوشش کردند که این مجله را به موقع انتشار دهند آنالیزاروا " *Anna Elizarova* " خواهر لنین و تنها عضو آزاد هیئت تحریریه به تنهایی اولین شماره " زن کارگر " را در روز هشتم مارس انتشار داد . شعار " مبارزه برای کسب حق برای زنان کارگر " طبیعتاً در روسیه دعوتی بود برای سرنگونی استبداد تزاری .

با آغاز جنگ جهانی امپریالیستی اول زنان سوسیالیست چسب در موافقت با نظر بلشویکها کوشش کردند که در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ در همه جا هشتم مارس را تبدیل به تظاهرات زنان کارگر علیه جنگ بتهایند . اما سوسیالیستهای خائن به منافع طبقه کارگر در آلمان و سایر کشورهای مانع این کار گردیدند . در سال ۱۹۱۵ تظاهرات روز زنان تنها در نروژ برگزار شد .

سال ۱۹۱۷ سال انقلاب کبیر بود . گرسنگی و سرما صبر زنان کارگر و دهقان سرتاسر روسیه را در هم شکسته بود . در روز بین المللی زنان کارگر ، ۲۳ فوریه ( ۸ مارس ) بر حسب دعوت کمیته پتروگراد بلشویکها زنان کارگر به کوچه ها و خیابان ها آمدند تا بر ضد گرسنگی ، جنگ و تزارهسم نمایش دهند کارگران بوسیله اقدام به اعتصاب همگانی در تمام پتروگراد از این نمایش زنان کارگر پشتیبانی کردند . اعتصاب سیاسی به تظاهرات - سیاسی همگانی بر شد رژیم تزاری تبدیل گردید . " ( ۲ ) این روز ، روزی فراموش نشدنی در تاریخ روسیه است . انقلاب فوریه در این روز آغاز گردید . يك هفته بعد پراودا در مقاله ای تحت عنوان " روز بزرگ " چنین نوشت :  
 " اولین روز انقلاب روز زنان روز بین المللی زنان کارگر است . افتخار فراوان بر زنان افتخار به این روز جهانی زنان اولین کسانی بودند که در روز خود به خیابانهای پتروگراد گام گذاردند . "

پروزی انقلاب کبیر اکثر، و مبارزات پر خروش پرولتاریای دوران ساز  
بورژوازی هراسان را وادار کرد که دست رنج در کشورهای مختلف سرمایه-  
داری به زنان کارگر حق رای اعطاء کند.

امروزه در اغلب کشورهای وابسته نیز که بنا بر مصالح امپریالیست ها  
اصلاحاتی در جهت نابودی سیستم فئودالی و رشد سرمایه داری وابسته  
انجام گرفته است، بر حسب ضرورت و نیاز سیستم سرمایه داری وابسته به  
زنان نیز "حق رای" داده شده است.

در کشور ما ایران در سال ۱۳۴۰ در جریان اجرای برنامه امپریالیستی  
معروف به "انقلاب سفید" که در جهت پایان دادن بر سلطه فئودالیسم  
و استقرار سیستم سرمایه داری کپی راد وریود "اصلاح قانون انتخابات" بنا  
به اصطلاح آزادی زنان و اقدامات دیگر در این زمینه هم دقیقاً در جهت  
منافع مستقیم امپریالیسم بود. قصد امپریالیسم این بود که نیروی کار ارزان تر  
زنان را که طبق سنت های فئودالی فاقد تحرک، مورد نیاز بورژوازی بود  
مورد بهره گیری قرار دهد. " (۳) روشن است که در شرایط دیکتاتوری  
فاشیستی که خلق فاقد هرگونه حقی است: حق رای برای زنان شوخی  
تلخی بیش نیست. از اصلاح قانون انتخابات فقط "خانم های" انگشت  
شماراشراف و وابسته به جناح های مختلف بورژوازی کپی راد وری بهره مند  
شدند و به وزارت و نمایندگی مجلس و غیره رسیدند. آنان به همراه  
شاهزادگان درباری طمدار تبلیغات عوام فریبانه آزادی زن ایرانی در -  
محافل بین المللی هستند. اکثریت عظیم زنان ایرانی، زنان زحمتکش  
ایرانی نه تنها بهره ای از این اصلاحات نبرده و نصیب نند بلکه در شرایط  
غیر انسانی کار هر چه بیشتر استعمار شده و به بردگی و مزدوری مشغولند  
آنان فرق در جهل، فقر، بد بختی، و قربانی سیستم سرمایه داری وابسته  
فرهنگ و سنت عقب مانده و ارتجاعی هستند و در معرض هزار و یک رذالت،  
جنایت و تجاوز می باشند.

وظیفه تمام نیروهای مترقی است که در روز جهانی زنان کارگر بنا  
توضیح موقعیت زنان زحمتکش و در راس آن زنان پرولتاریای ایران به  
افشای ماهیت رژیم فاشیستی شاه و ارتجاع بهره ازنند. و نیز به تجلیل

از زنان مبارز به ویژه زنان پیش‌آهنگ مسلح خلق پرداخته با شرح برنامه‌ها و اهداف انقلابی سازمانهای مسلح انقلابی بعنوان تنها نیروهای انقلابی و پیشرو واقعی خلق از هان جهانیان را روشن گردانند .  
 زنان پیش‌آهنگ مسلح خلق تنها سخنگویان واقعی زنان زحمتکش ایرانند .  
 بکوشیم که روز جهانی زنان کارگر را به روز تجلیل از پیشاهنگان زنان پرولتاریای ایران و دست‌آورد های آنان و سازمانهای پیشرو انقلابی مسلح تبدیل سازیم .

www.KetabFarsi.com



## خانواده

### در جامعه سوسیالیستی

#### میان شوهر و زن

"در سال ۱۹۶۲، فدراسیون زنان (چین) مجموعه ای از چند داستان واقعی در شرح راههای اعمال روابط بین یک شوهر و زنش را منتشر کرد. این داستانها بیانگر نمونه های روشن و قاطع رفاقت انقلابی هستند و در ضمن، مقدمه کتاب ویژه این سوال را مطرح میکند که: "یک شوهر باید چه برداشتی از زن داشته باشد؟ بمناسبت انتشار این کتاب، روزنامه ملی "یومیه خلق" **Renmin Ribao** " خلاصه این مقدمه را تجدید چاپ کرد که می خوانید."

### يك شوهر چه طرز تلقی از زنش باید داشته باشد ؟ (۴)

در يك جامعه سوسیالیستی ، عشق بین شوهر و زن ، بر پایه تشابه معتقدات سیاسی و فرهنگی مبارزه مشترك در راه انقلاب بنا میشود . رابطه بین شوهر و زن قبل از همه ، يك رابطه رفیقانه است و احساسات فیما بین در ابتدا عواطف انقلابی هستند . به همین دلیل ، يك شوهر باید از همسرش برداشت يك رفیق انقلابی را داشته باشد . این در چنان طرز تلقی ———— انعکاس خواهد یافت که شخص همسر خود را بعنوان رفیق هم سلاح در نبرد مشترك سیاسی ، بعنوان خواهر طبقاتی ، کسی که همدوش او در کار تولید زحمت میشود و بعنوان يك منس که با هم در خانه میزند ، بهم احترام و عشق میورزند ، بيگ بگر باری میسازند و بيگ بگر را در ترقی بیشتر دلگرمی میبخشند ، بحساب آورد ، بزبان عقیدتی و اخلاقی بگوئیم این معیار کمونیستی است که بوسیله آن يك انقلابی مسئله عشق و ازدواج و خانواده را بررسی میکند . تنها با انطباق با این معیار است که شخص میتواند بد رستی از عهده مشکلاتی که ممکن است در زندگی زن و شوهر پیدا شوند ، برآید . . . . .

هر چند بنیان اقتصاد کهن ویران شده است . اما نفوذ افکار فئودالی و بورژوازی و نیروی عادتش را که بوسیله جامعه کهنه بجا گذاشته شده — است نمیتوان يك شبه از میان برد . این عقاید و نیروی عادت ، هنوز هم بجزئیتهای متفاوت ذهن تعدادی از مردم را تحت تاثیر خود دارد . آنها مردان چندی را ملاحظه نکرده ایم که در چند سال اول ازدواجشان ، همسرانشان را محبت باران کرده اند و پیمان بسته اند که تا زمان پیری با آنها خواهند ماند ؟ لیکن بهرور زمان در ممالکهای بعدی زناشویی ، احساساتشان نسبت به زنانشان رو بسردی گراشده است تا جائیکه آنچنان از همسرانشان خسته شده اند که پایان کار را در تراژدی طلاق یافته اند . و نیز آیات پده ایم که پاره ای از مردان ، در محیط کارشان ، با دیگران بمساوات رفتار کرده اند و وظایفشان را با جدیت تمام به انجام رسانده اند لیکن وقتی به خانه میساز میگردند قیافه " ارباب خانه " را بخود میگیرند و میگذارند زنشان همه کارهای

خانه را انجام دهد و در ضمنی که در اطراف پرسه میزنند منتظرند تا غذا آماده گردد و لباسها شسته و اظو کرده شوند. اگر زنان اند کسی فطرت ورزند یا نافرمانی کند و مخالفت نشان دهند، آنها (شوهران) فکر خواهند کرد که فرور و احترام شوهر بودن جریحه دار شده است و بر این مبنی دعوی مفصلی را براه میاندازند.....

بایستی به این واقعیت توجه کنیم که بعضی مردان در موارد بسیاری این تعادل را دارند که نظر خود برترینمانه خود را نسبت به همسرانشان زیر نقاب "محبت" بپوشانند. دستکم، بظاهر ممکن است به نظر آید که آنان به همسران جوانشان بسیار هلاقتند و از تمام راههای ممکن بخوبی از آنان مواظبت میکنند. معینا، در ذهنشان، آنها بنسبت زنانشان را بصورت خواهران طبقاتی و رفقای انقلابی که همراه آنان کار و مبارزهای مشترک را به پیش میبرند، بحساب می آورند. آنها بیشتر، - زنانشان را، آنها برای خوشایند خودشان، بصورت شیخی ناز پرورده از مایطک شخصی خود می بینند. بجای آنکه زنانشان را به مثابه همراهان انقلابی به بینند که بیگ بگری میسرانند و با هم در جستجوی بهبود زندگی مشترکشان هستند، آنها زنانشان را صرفاً "بصورت" تیماردارانی در نظر می آورند که مونس آنها و در خدمتشان هستند. هر چند در این مورد عشق شوهر نسبت به زن نیز وجود داشته باشد ولی این نوع از عشق، آن عشق واقعی، آن عشق طبقاتی، عشق رفیقانه‌ای که بر بنیان اعتقاد سیاسی بنا شده باشد نیست. این نوع عشق، تحکیم شدنی نیست و دیری نمی‌پاید. اگر زن لطافت جوانی را از دست بدهد اگر در معرض این با آن بیماری قرار گیرد و بصورتی از نظر جسمی ناتوان شود، شوهر که دیگر زنش را خوشایند خویش نمی بیند و از موانست و خدماتش بهره مند نمی شود، بی احتنا به رنجی که همسرش میبرد، ممکن است توجهش را بزنان دیگر معطوف کند و منظور - مورد علاقه تازه‌ای بیاید. این انعکاسی از افکار بورژوازی بر مسئله زناشویی و خانواده در دوران انتقالی است. این طت ریشه‌ای آن تراژدی تاسف - آوری است که برای بسیاری از شوهران و زنان و خانواده‌ها رخ داده است. اکنون، هر کسی برای دگرگون کردن (انقلابی کردن) اندیشه خویش

میکوشد. این بدان معنا است که در مقابله با انواع مشکلات فرد باید راسخانه به موضع، نقطه نظر و روش پرولتاریائی تاسی جوید. این شامل طرز تلقی از عشق، ازدواج و خانواده بر پایه اصول کمونیستی است. دگرگونی طرز فکر مرد نه تنها در کنار بلکه در زندگی روزمره، عشق، زناشویی و خانواده و میان زن و شوهر نیز باید خود را بنمایاند. این بدان جهت است که وقتی مردی و زنی، شوهر و زن میشوند این صرفاً یک ماجرای شخصی در زندگی یک فرد نیست بلکه درست از روزی که آنها ازدواج کردند فرد و مسئولیتهائی در مقابل جامعه دارند که در همین آن، هر دو همگام صبر نمایند، کار میکنند، میزیند و با هم فرزندانشان را میپرورند و تربیت میکنند. حال اینکه مناسبات میان زن و شوهر خوب اداره شوند یا بد نه تنها بر خوشبختی زندگی خانواده گی و بر رشد نسل آیندگان بلکه با همان اهمیت نیز بر تکامل انقلاب سوسیالیستی و ساختن سوسیالیسم تاثیر خواهد داشت. این در انطباق با معیار اخلاق کمونیستی است که شخص باید به انقلاب نسبت به عشق، ازدواج و خانواده پیدا کند. این معیار می طلبد که شوهر هرگز نباید در پی باصلاح "امیال احساساتی" خود، موضعی بی ثبات، گستاخانه و غیر متعهد نسبت به همسر و فرزندان خود اختیار کند.

قابل انکار نیست که جوانی و ظاهر زیبا در واقع عواملی هستند که زنان و مردان را در ابتدا به یکدیگر جلب میکنند، بدین دلیل که وقتی آدمی جوان است از شکوفائی جسمانی و فکری او از بسیاری جهات، چنان نیرومندی و سرزندگی می تراود که تحسین برانگیز است. با این وجود، بشر موجودی معقول است و لذا باید تشخیص دهد که گذشته از جاذبه طبیعی دو جنس توجه و نگرانی اساسی یک مرد و زن برای زناشویی باید در این باشد که آیا با هم تفاهم و تشابه اعتقادات سیاسی دارند یا نه، بجای آنکه جوانی و جلوه های آنها را تنها شرط گزینش همسر قرار دهند. از آنجا که همه چیز در حال رشد و دگرگونی است، برای هر موجود میزند، ناممکن است که جوانیش را جاودانه حفظ کند. بشر نیز چنین است. این قانون - گذشته ناپذیر طبیعت است که آدمی بتدریج پیر شود و ظاهرش با افزایش

هر دو گرگون گردد . اگر جوانان هنگام گزینش شریک زندگیشان ، بی احتیاطی به کیفیات سیاسی طرف مقابل ، تنها بدنبال جوانی و زیباییهای ظاهری باشند ، نتیجه الزاماً يك خوشبختی واقعی نخواهد بود . درست نگاه کنید به جوانانی که در آتی ، بر اساس جمال زیبا و عشق در نگاه اول زن و شوهر میشوند بی آنکه توافق بر مبنای عقاید سیاسی همان و تفاهت هم مقابل را مد نظر قرار داده باشد . ببینید که چگونه در بیشتر موارد ، آنها قادر نیستند در زندگی روزمره ، با هم به خوبی بسر ببرند . مدام در حال مشاجره اند و هر دو شدیداً رنج میبرند . آنها پس از بی بردن به اختلافات عقاید سیاسی شان با هم و درك نقایص رفتار و کیفیات اخلاقی یکدیگر ، زیستن با هم یا جدا شدن از هم را بسیار مشکل می بینند . سپس ، نظری بنیادزید به کسانی که پس از بنای احساسات انقلابی راستین خویش بر پایه کار و مبارزه مشترک ، با هم پیوند زناشویی بسته اند ، هر چند آنها ممکن است از نظر ظاهر الرضا<sup>۱</sup> خیلی جذاب بنظر نیایند ولیسی دارای بنیان سیاسی مشترک و کیفیات اخلاقی خوب هستند . آیا از اینکه آنها در زندگی هر روزه به یکدیگر عشق و احترام میورزند ، بهمین بساری میدهند ، مواظب یکدیگرند و همگام پیش میروند در زندگی زناشوییشان خوشبخت نیستند ؟ این نشان میدهد که خوش بودن یا نبودن زندگی زن و شوهر بوسیله خوب یا بد بودن کیفیات اخلاقی آنها تعیین می شود نه بر حسب زیباییهای ظاهری آنها چرا که زیبایی ظاهری معنی زیبایی درون نیست . زیبایی راستین و جاودانه را تنها در کیفیات سیاسی احساسات درونی ، افکار درست و روش خوب انجام دادن امور میتوان یافت و تنها عشقی که بر این بنیاد ساخته شود ، جاودانه سرسبز خواهد ماند .

توجه به کارخانه بخش مهمی از زندگی بین زن و شوهر را تشکیل میدهد . هم رعایت این بخش از زندگی زناشویی نیز ممکن است هماهنگی و شادمانگی ازدواج را تحت تاثیر قرار دهد . با این پیشنهاد که شوهر باید نظیر انقلابی برابری نسبت به همسرش داشته باشد آیا منظورمان اینست که زن و شوهر هر دو باید گرهایی خانه را به تساوی میان خود تقسیم کنند یا اینکه

شوهر باید بیشتر وقت و کوشش خود را صرف خانه داری و برآوردن دیگر  
 نیازهای زنش بکند ؟ نه ، منظور مان این نیست ، اگر کارهای خانه تنها  
 بدین منوال تقسیم شود آنرا نمیتوان برابری واقعی نامید چرا که پاسخ  
 این سؤال در شکل تقسیم امور خانه نهفته نیست بلکه بیشتر در طرز  
 تلقی شوهر نسبت بزنش ، پس از بازگشت از کار روزانه بخانه است . آیا او  
 زنش را بشابه یک رفیق و شریک انقلابی قلمدار میکند یا یک " برده " و -  
 " خدمتکار " گوش فرمان که در خانه حضور دارد تا نیازهای او را برآورد ؟  
 آیا شوهر ، خانه داری را یک تعهد مشترک زن و شوهر هر دو میدانند  
 یا بصورت " وظایف طبیعی " دوران زندگی یک زن ؟ اگر زن و مرد هر  
 دو برداشتهای درستی داشته باشد ، آنگاه این مسئله ، البته ، بدون -  
 هیچ مشکلی حل خواهد شد . درست به زوجهای زیادی در اطرافمان  
 نگاه کنیم که پس از بازگشت بخانه ، بدون توجه به نوع یا مقدار کارهای خانه  
 یکدیگر را یاری میدهند و آزادانه میگویند و میخندند ، با هم کودگانشان  
 را بزرگ میکنند و تعلیم میدهند و خانهشان را منظم نگاه میدارند . گاهی  
 که کار روزانه شوهر سنگین است ، زن بدلیخواه خود ، سهم بیشتری از کار  
 خانه را انجام میدهد و بدین ترتیب شوهر کوشش خود را بر بهایان رساندن  
 وظایفش متمرکز خواهد کرد . یا گاهی ، زمانیکه زن کسالتی دارد ، شوهر  
 نیز به میل خود ، کارهای بیشتری را در خانه بعهده میگیرد و بدین ترتیب  
 زن میتواند استراحت کافی بکند چقدر زندگی این زوجها شادمانه و  
 لذت بخش است ! این نشان میدهد که اینکه زن و شوهر زندگی پسر  
 سعادت دارند یا نه بستگی به طرز تلقی رفیقانه انقلابی از یکدیگر داشتن  
 و از طریق اهمیت دادن بهم و یاری رساندن بهم دارد نه به این موضوع  
 که کی از کی اطاعت میکند ، چه کسی خواستههای چه کسی را بر میآورد و یا  
 چه کسی بیشتر یا کمتر کارهای روزانه خانه را انجام میدهد .

Alfred Uci

پرفسور آلفرد یسوکسی  
استاد دانشگاه تهران آلبانی

### درباره یسوکسی از جنبه‌های تکامل روابط خانوادگی

با پیشرفت بیشتر روابط سوسیالیستی در کشورمان، تغییر شکل روابط زناشویی و خانوادگی نیز ضروری شده است تا بتوان آنها را با ماهیت سوسیالیستی نظم اقتصادی و سیاسی مان با معیارهای اخلاق کمونیستی و اصول آینده - لوزی سوسیالیستی مان منطبق کرد. موضع حزب کار آلبانی و "تئوری خلق" در قبال این مسئله عظیم اجتماعی بر اساس محکم مارکسیسم، لنینیسم و آموزشهای با ارزش رفیق انور خوجه پایه گذاری شده است. اندیشمندان بورژوا و دشمنان طبقه کارگر دیرزمانی است کوشش داشته و دارند تا نشان دهند که گویا سوسیالیسم و کمونیسم سخت کوشانه نسبت به خانواده خصومت میورزند.

کارل مارکس و فردریک انگلس خاطر نشان کرده‌اند که انقلاب پرولتاریا قادر نیست در روابط ازدواج و خانواده حاکم در نظام سرمایه - داری اثر نینخشد. آنان تاکید کردند که کمونیست‌ها با شکل بورژوازی خانواده و فساد حاصله از آن با آن نوع خانواده که بر اساس سرمایه‌وسود خصوصی بنا شده است و با "فحشای عمومی" در همزیستی بسر میبرد، - با استثمار زنان بوسیله شوهران و فرزندان بوسیله والدین" ( ۵ ) ، مخالفند. اما فردریک انگلس اشاره میکند که، الغای ناگزیر خانواده بورژوازی بمفهوم الغای خانواده بطور کلی نیست. با از میان رفتن مالکیت خصوصی بوسیله انقلاب سوسیالیستی، خانواده یکتا همسر" نه تنها باید تبدیل نمیکرد، بلکه برعکس بطور کامل واقعیت می‌یابد. " با تبدیل ابزار تولید به مالکیت اشتراکی، مزدوری و پرولتاریا از میان میروند و در نتیجه از نظر آماری به تعداد قابل محاسبه‌ای از زنان که باید به فروش تنشان بپردازند نیازی نخواهد بود. فحشا نابود میگردد در حالیکه یکتا همسری، بجای

آنکه از بین برود سر انجام برای مردان نیز تبدیل بیک واقعیت میگردد .  
( ۶ )

بالهام از اصول مارکسیست ، لنینیست و آموزشهای رفیق انور خوجه ، حزب ما ، از ابتدای تاسیسش در همان حال که تهمت ها و اتهامات جعلی را مبنی بر اینکه گویا کمونیستهای آلبانی خانواده را متلاشی خواهند کرد ، تکذیب و افشا مینمود ، همچنین نظرات نادرست ، لیبرال ، بورژوا و آنارشویست را که در میان گروههای کمونیست خصوصا " گروه جوانان کمونیست در مسوود خانواده رایج بودند نیز مورد انتقاد شدید قرار داد و با این موضع اصولی نشان داد که در راه تحکیم مبانی خانواده آلبانیایی میکوشد .

در دوران جنگ آزاد بیخش ملی ، کمونیستهای آلبانی برای حفظ کشور از متجاوزین و محافظت خانواده آلبانی از آلودگی های ضد ملی که بوسیله تبلیغات متجاوزین خارجی منتشر میشد مبارزه می کردند ، آنان برای غلبه بر موانع ساختگی ازدواجهای قراردادی که از تصادفهای آشتی ناپذیر ( آنتاگونیستی ) مذهبی ناشی میشد ، و برای برابری بین زن و شوهر ، شرکت زنان و جوانان در جنگ آزاد بیخش و زندگی اجتماعی و سیاسی و غیره مبارزه میکردند .

در پروسه ساختن سوسیالیسم نیز حزب ما بر رویه مارکسیست ، لنینیست استوار بود . با توجه بر امر تکامل خانواده بعنوان مسئله اجتماعی دارای اهمیت تام در مبارزه برای سوسیالیسم رفیق انور خوجه تاکید کرده است که کمونیستهای آلبانی ، از یکسو ، دشمن آشتی ناپذیر تمام روابط استثمار و نابرابری در خانواده هستند که از مالکیت خصوصی و نظم استعماری ریشه میگیرد و از سوی دیگر موافق با بهسرفت و تحکیم خانواده نوین سوسیالیستی هستند که بر اساس روابط انسانی راستین و ایده‌های کمونیستی شکل گرفته باشد . رفیق انور خوجه در سومین نشست عمومی کمیته مرکزی حزب کار آلبانی اظهار داشت که هدف حزب ما آنستکه " به کار ایده‌لویژیکي شدید برای پرورش خانواده آلبانی دست بزنند و این ، تنها زمانی میسر است که روابطی درست برابر و آزاد ، همراه با احساسات عالی استقرار یابد و انقیاد و بقایبای مالکیت خصوصی و مفاهیم ناشی از آن از بین برود . " ( ۷ )



## ۱- انقلاب سوسیالیستی و تغییر روابط خانوادگی

مارکسیسم خانوادگی را به مثابه بنیانی از مشخصه ای تاریخی می شمارد که با زندگی اجتماعی بستگی نزدیک دارد. در گرونی در زیر بنای اقتصاد و ساختار اجتماعی و طبقاتی، در نظام سیاسی و حقوقی، در ایدئولوژی های سیاسی و اخلاقی و غیره همیشه تغییراتی را در انواع خانوادگی ها، در محتوای اجتماعی و عملکردشان بدنبال می آورد. . . . .

## ۲- خانوادگی و ارتقا روابط زناشویی

.....  
 در چهار چوبی که مالکیت خصوصی حاکم است، ازدواج بصورت یک قرارداد تجاری وجود دارد. انواع مختلف چنین ازدواج هایی نیز در چهار چوب مالکیت خصوصی در کشورها حاکم بود. نامزد کردن کودکان ازدواج زوجهای با اختلاف سن بسیار، خرید و فروش دختران، ازدواج با جهیزیه و مهریه، انتخاب عروس و داماد بر مبنای موقعیت اقتصادی، درآمد، موقعیت اجتماعی و غیره شایع بودند. اما الفای مالکیت خصوصی و طبقات استثمار کننده و استقرار مالکیت اجتماعی در شهر و روستا ضوابط اقتصادی و اجتماعی برای کاهش این گونه ازدواج ها آفرید و این امکان را بوجود آورد که ازدواج حقوقی بر پایه عشق شروع یابد. این مشخصه جامعه سوسیالیستی ما است. تجربه کشور ما گواهی است بر پیش بینی انگلس مبنی بر اینکه فقط در جامعه سوسیالیستی " نسلی از مردان که در زندگی شان هرگز فرصت نخواهد داشت که زنان شان را با پول و سایر وسائل قدرت دولتی بخرند و نسلی از زنان که هرگز مجبور نخواهند شد به هیچ طتی جز عشق واقعی با شوهران شان پیوند کنند. " (۸) تولد می یابند. . . . .

### ۳- مناسبات خانوادگی و طلاق

زندگی خانوادگی نیز مانند هر چیز دیگر دارای تضاد است. هم سرچشمه شادی و هم سرچشمه کشمکش‌ها و غم‌ها است. این کشمکش‌ها در شرایط معینی زندگی زناشویی را غیر قابل تحمل می‌سازند. از این رو، همراه شدن آزادی در ازدواج با حق طلاق، طلاق را نیز مجوز قانونی می‌بخشد. در شرایط مجاز قانونی، حق طلاق نشانه محافظتی است که دولت از حق هر فرد نسبت به خوشبختی خانوادگی به عمل می‌آورد. و ۱۰. لنین نظرات کسانی که حق طلاق را بمثابة منبع تضعیف خانواده می‌شماردند تاریخنگری نامید. در جامعه سوسیالیستی ما، طلاق شرایط را برای تحکیم خانواده و تکامل برابری بین شوهر و زن تامین میکند.

در شرایط کنونی مبارزه برای آزادی کامل زن، حق طلاق به وسیله برای زنان شان اهمیت بسیار است. آمار نشان میدهد که زنان دارند به این حق آگاهی می‌یابند. در هفده سال گذشته، موارد طلاق که بوسیله شوهران و زنان به دادگاه عرضه شدند تقریباً برابر بودند. در حدود ۵۳ درصد از تمامی موارد طلاق که بوسیله زنان به دادگاه ارائه شدند، موفق بوده‌اند. این نشان میدهد که زنان از این حق خود بطور وسیع ر کشور ما استفاده می‌کنند.

اکثریت موارد طلاق در کشور ما بدین دو دلیل عمده صورت می‌گیرد: عدم توافق‌های جدی در زندگی زناشویی و بی وفایی.

## ۴- رابطه بین خانواده و جامعه سوسیالیستی

تکامل زناشویی سوسیالیستی و روابط خانوادگی در جامعه ما، مسئله دیگری را به پیش کشیده است که آن رابطه خانواده از یکسو و جامعه، نیروی دولت سوسیالیستی، ایدئولوژی سوسیالیستی از سوی دیگر است. جامعه شناس رویزیونیست بورژوا، بهدلیل میکوشد که نشان دهد خانواده بخاطر مداخله نیروهای بیرونی جامعه، قدرت دولتی و افکار عمومی، تضعیف میشود و بدین ترتیب ادعا میکند که وجهه مقدس خانواده - زندگی محرمانه آن - مورد بی حرمتی قرار میگیرد. آنها بهبوده تقلا میکنند تا نشان دهند که بنیانگذار مارکسیسم با هر گونه دخالت جامعه در زندگی خانوادگی و تکامل آن، مخالف بوده است. در این مورد آنها به یکی از نظریه های انگلس که در اصول کمونیسم آورده شده است استناد میکنند که میگوید در کمونیسم "روابط همجنس یک موضوع کاملاً خصوصی است که تنها بد و شخص ذینفع مربوط میشود و نیازی به مداخله جامعه در آن وجود ندارد." (۹) اما جامعه شناسان رویزیونیست و بورژوا این نظریه انگلس را تحریف میکنند و بسند جلیسوه میدهند.

اول اینکه از زمان پیدایش چنین مقوله اجتماعی بنام خانواده تاکنون جامعه نسبت به آن بی تفاوت باقی نمانده است. هر جامعه ای، هر قدرت دولتی، صرفنظر از نظم اقتصادی یا سیاسی حاکم بر آن، از راه تدوین قوانین برای خانواده، باورهای مذهبی، اخلاق و سایر مفاهیم در جنبه های مختلف خانواده دخالت کرده و آنها را به نظم در آورده است. بنابراین اگر جامعه سوسیالیستی با قدرت دولتی نسبت به تکامل خانواده بی تفاوت باقی نماند، این، تنها مشخصه جامعه سوسیالیستی نیست جامعه ما و دولت ما نمیتواند در امر خانواده که یک رشته مملکتی های مهم اجتماعی را در بر میگیرد بی تفاوت باقی بماند.

دوم، زمانیکه انگلس مداخله جامعه را در این امر (خانواده) غیر ضروری میشارد او کمونیسم کامل و بی نقص را در نظر دارد بهمنسی

مرحله‌ای که در آن نه طبقات و نه قدرت دولتی، نه موازن حقوقی وجود دارد، زمانیکه افراد به چنان مرحله‌ای از تکامل شخصیت رسیده‌اند که معیارهای اخلاق کمونیستی، باورهای ذاتی و مقدس برای آنها خواهد بود. در چنان شرایطی، زمانیکه روابط خانوادگی تحت فرمان اخلاق کمونیستی قرار دارند، جامعه نیازی نخواهد دید که در مناسبات میان دو جنس مداخله کند. در شرایط سوسیالیستی حاضر نیز، جامعه دولتی ما در خانواده‌هایی که جوهر اصلی آن، با قوانین و اخلاق سوسیالیستی سازگار است دخالتی نمیکند. ولی بی‌تردید همه خانواده‌ها بر مبنای آن اصول و موازن رفتار نمیکنند. اگر اصول قانونی، اخلاقیات و ایدئولوژی ما مورد بی‌اعتنائی قرار گیرند بهترین که به تزیین صافی خانواده ما منجر شود، افکار عمومی، جامعه و دولت مانعیتواند نسبت به آن بی تفاوت باقی بماند بلکه باید برای حفظ آن اصول، دست مداخله بزند. بنابراین، چنان مداخله‌ای خود چندان اهمیت ندارد بلکه مقصود از این مداخله و حدود کار آنی آن‌ها همان اهمیت است.

سوم اینکه در "اصول کمونیسم" انگلس منظورش ضرورت نفوذ جامعه در خانواده (بطور کلی) نیست بلکه تنها، دخالت جامعه را در روابط بین دو جنس مد نظر دارد یعنی دخالت در حق فرد در انتخاب آزادانه جفت دلخواهش، در چنین مفهومی، چنان حق فردی در شرایط سوسیالیسم کاملاً رعایت شده است تا آنجا که قوانین ما، تنها یکسای همسری را بر رسمیت می‌شناسد که طبق قوانین مدنی زناشویی و بر اساس عشق دو جانبه تشکیل شده باشد.

اما تشکیل خانواده، بسادگی، تنها به عمل گزینش جفت تناسل داده نشده است بلکه تمامی مجموعه مناسبات دیگری را نیز در بر میگیرد که نه تنها از لحاظ سرنوشت خانواده بلکه از جهت کل جامعه، دارای اهمیت بسزائی است. بدین منظور خانواده سوسیالیستی، دولت و افکار عمومی موظفند برای کمک به امر برابری زن و شوهر، حفظ منافع کودکان سالخوینگان و مسائل مشابه دخالت نمایند تا این روابط را با منافع عمومی جامعه هماهنگ سازند.

چهارم آنکه، دولت، زندگی خصوصی افراد خانواده را تحت محافظت

خود قرار میدهد و هرگونه تعدی به ساخت این گونه روابط خانوادگی را ممنوع میسازد. تردیدی نیست که زندگی محرمانه خانواده یکی از سرچشمه های شادمانی برای اعضا خانواده سوسیالیستی محسوب میشود. بنابراین مداخلات متعارفی و فضولیهای اداری در جزئیات زندگی خصوصی خانواده برخلاف کمونیستی و قوانین سوسیالیستی است، آنها موجب انهدام هماهنگی خانواده و منشا درد سرهائی در روابط خانوادگی میشوند. زمان این نوع مداخلات کمتر از رسوم و عادات عقب مانده نیست.

رفیق انور خوجه، تاکید کرده است که مسئله تکامل و تحکیم خانواده سوسیالیستی ما، بایستی به مفهوم کامل آن، مورد توجه جامعه ما، دولت، حزب و افکار عمومی قرارگیرد و نباید یک مسئله خصوصی قلمداد شود. مسئله پیروزی اخلاق و اعتقاد سوسیالیستی مادر خانواده، مسئله تضمین برابری حقوق زن و شوهر در خانواده، مسئله پرورش نسل جوان و سایر مسائل مشا به دارای اهمیت اجتماعی هستند. خصوصیت خانواده نسبت به جامعه از این مداخله ناشی نمیشود بلکه از آن عقاید ضد سوسیالیستی تاثیر میگیرد که هنوز در میان بسیاری خانواده ها رواج دارد و موجب بزبانی بزرگ همبرای جامعه و همبرای افراد حنیس خانواده ها میگردد. بنابراین، رفیق انور خوجه تاکید میکند که استحکام بیشتر مبانی خانواده آلبانیائی، از راه مبارزه بی امان علیه هرگونه نفوذ ایدئهای ضد سوسیالیستی در آن است. رفیق انور خوجه میگوید: "خانواده ما، باید با روان تازه سوسیالیستی جلایابد، این روان، باید اصول سالم ما مانند عشق واقعی، همبستگی، صداقت، قناعت، میهن پرستی و نظایر آنرا که وجوه مشخصه خانواده ما هستند تقویت کرده و آبدیده سازد. ولی از سوی دیگر برای پیروزی این روح، لازم است که اندیشه مالکیت خصوصی و عقیده مبنی بر "مطلقاً" خصوصی بودن "مسائل خانوادگی را ریشه کن ساخت و همه آن تظاهرات و افکار ایدئ آلیستی را که در احاطه خانواده رنگی در پیرای کرده است زودود." (۱۰) سوسیالیسم در کشور ما، مناسبترین زمینه اجتماعی را برای ایجاد پیوندهای استوار و هماهنگی کامل بین خانواده و اجتماع فراهم کرده است.

## توضیحات

- ۱- ۲۳ فوریه مطابق تقویم قدیم روسی برابر با ۸ مارس بود .
- ۲- تاریخ حزب کمونیست ( بلشویک ) اتحاد شوروی ، دوره مختصر .
- ۳- درباره اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن ( سری تحقیقات روستایی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ) ( ۱ )
- ۴- روزنامه ملی " یوسپه خلق " ، ۱۴ اکتبر ، ۱۹۶۴
- ۵- آثار منتخب ک . مارکس و ف . انگلس ، چاپ آلمانی ، جلد اول صفحه ۳۶
- ۶- آثار منتخب ک . مارکس و ف . انگلس ، چاپ آلمانی ، جلد دوم ، -  
صفحه ۲۱۱
- ۷- انور خوجه " درباره برخی از جنبه های مسائل زن آلمانی " ۱۹۶۷  
صفحه ۲۷۳
- ۸- آثار منتخب ک . مارکس و ف . انگلس ، چاپ آلمانی ، جلد دوم ، -  
صفحه ۲۲۵
- ۹- ک . مارکس و ف . انگلس ، چاپ روسی ، جلد چهارم ، صفحات  
۲۳۶ - ۲۳۷
- ۱۰- انور خوجه ، " درباره برخی از جنبه های مسائل زن آلمانی " صفحه  
۲۰۸

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

زنان و مبارزات رهایی بخش طبقه کارگر

www.KetabFarsi.com

بازنگیر از : سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوار  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران